

ارزیابی تجمع جغرافیایی صنعت مبلمان ایران با هدف توسعه خوشه‌های مبلمان

چکیده

در این تحقیق تراکم استقرار جغرافیایی صنعت مبلمان در ایران، با هدف توسعه خوشه‌های مبلمان ارزیابی شد و با در نظر گرفتن این مشخصه، مناطقی که برای توسعه خوشه‌های مبلمان اولویت داشتند شناسایی شدند. از روش محاسبه ضریب تجمع برای محاسبه ضریب تجمع مربوط به ۱۹۳ شهر استفاده شد. شهرهایی که ضریب تجمع بالاتر از یک داشتند شناسایی و در یک جدول اولویت بندی شدند. ضریب تجمع مربوط به ۴۵ شهر بیشتر از ۱/۵ بود. این نتیجه به این معناست که بسیاری از شهرها قابلیت توسعه خوشه‌های صنعتی مبلمان را دارند. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان پیش‌بینی کرد که به غیر از خوشه‌های در حال توسعه همچون خوشه‌های مبلمان تهران، شاندیز و ملایر، خوشه مبلمان شهرستان‌های قم، تالش، بابل، اسلام شهر (تهران)، شهریار، رباط کریم، بابلسر و گرگان از جمله مناطق دارای قابلیت مناسب برای توسعه خوشه‌های مبلمان در کشور هستند که هنوز برای توسعه مورد توجه قرار نگرفته‌اند. همچنین نتایج نشان داد در استان تهران به جز خوشه تهران که اعضای آن به‌طور عمده در یافت آباد تهران تمرکز یافته‌اند، در شهرستان‌های اسلام شهر، رباط کریم و شهریار نیز پتانسیل بسیار خوبی برای توسعه خوشه‌های مبلمان، مجزا از خوشه مبلمان تهران، وجود دارد.

واژگان کلیدی: خوشه صنعتی، صنعت مبلمان، ضریب تجمع، توسعه خوشه

امید حسین زاده^۱

مجید عزیزی^۲

یحیی همزه^۳

مهدي فائزى پور^۴

^۱ استادیار گروه جنگلداری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه ارومیه

^۲ دانشیار، ^۳ دانشیار، ^۴ استاد، گروه علوم و صنایع چوب و کاغذ، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران، کرج، ایران

* مسئول مکاتبات:

omidhoseinzadeh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۶/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۹/۱۹

مقدمه

در کشورهای در حال توسعه، صنایع کوچک و متوسط نقش مهمی در زمینه توسعه اقتصادی، اشتغال‌زایی و رقابت‌پذیری صنایع دارند [۱]. با توجه به اینکه در کشور ما بیش از ۹۰ درصد واحدهای تولیدی در گروه صنایع کوچک و متوسط قرار می‌گیرند [۲]، داشتن راهبرد توسعه مبتنی بر ساختارهای موجود صنعتی و نظام‌مند کردن توسعه واحدهای کوچک تولیدی که می‌توانند سهم قابل

توجهی در تولید ناخالص ملی و ایجاد ارزش افزوده داشته باشند، ضروری به نظر می‌رسد. ضرورت ساماندهی صنایع کوچک و متوسط در قالب خوشه‌های صنعتی به این دلیل است که در نظام اقتصادی کشور، صنایع کوچک و متوسط، کمبودهای بسیاری دارند. نبود مقیاس‌های لازم از جنبه‌های مختلف سرمایه، تولید و بازار، نبود محیط‌های مناسب رشد کسب و کار از جنبه‌های مختلف حقوقی، قانونی، نبود زیر ساخت‌های نرم افزاری و تشکیلاتی، تولید

با فناوری‌های قدیمی و عدم دسترسی به فناوری‌های نوین، فقدان ارتباط منسجم با شبکه‌های بانکی و مالی کشور، نبود شبکه‌های همکاری میان بنگاهی و نداشتن شناخت از بازارهای هدف از جمله کمبودهای مهم تولیدکنندگان مبلمان در کشور است [۳]. خوشه صنعتی یکی از الگوهای موفق سازماندهی صنایع کوچک و متوسط است که کاستی‌های صنایع کوچک و متوسط را تعدیل کرده و برتری‌های مختلف صنایع کوچک، همچون انعطاف‌پذیری و تنوع را تقویت می‌کند [۲]. انگیزه اصلی توسعه خوشه‌ها، رسیدن به هم‌افزایی ناشی از تبادل دانش، نیروی انسانی و فناوری است که در نهایت به انعطاف‌پذیری، پایداری و توسعه اشتغال در بنگاه‌های اقتصادی منجر می‌شود و در این مسیر تجمع جغرافیایی مناسب واحدها از مقدمات و ضرورت‌های شکل‌گیری یک خوشه صنعتی به شمار می‌آید. امروزه موفقیت در بازارهای داخلی و خارجی مستلزم برقراری دو شرط اصلی رقابت و همکاری است که هر یک بدون دیگری ناکارآمد خواهد بود. مساله اصلی در جهان امروز، سازماندهی همکاری‌ها و تعامل‌های اقتصادی، در عین حفظ و تقویت رقابت میان کسب و کارها است. ایجاد خوشه‌های صنعتی مبلمان راهی جهت برقراری پیوند مناسب بین اجزای درگیر در این صنعت است تا با ایجاد زنجیره مناسب تولید، در جهت هم‌افزایی توان فنی و تجاری آن‌ها اقدام شود و در مسیر توسعه و رشد اقتصادی و توانمندسازی، به آن‌ها کمک شود. چرا که رسیدن به توسعه پایدار، جز با افزایش توانمندی دست‌اندرکاران و ذینفعان این صنعت و تکمیل زنجیره ارزش و ساختاردهی به عامل‌ها و عنصرها موثر در این تجارت، میسر نخواهد بود. با توجه به ضرورت ساماندهی واحدهای صنایع کوچک و متوسط مبلمان در قالب خوشه‌های صنعتی، مسئله این تحقیق این است که در کدام مناطق ایران امکان توسعه بهینه خوشه‌های صنعتی مبلمان وجود دارد؟ فرضیه این تحقیق عبارت است از این که در شماری از شهرستان‌های ایران، تراکم واحدهای تولید مبلمان به اندازه‌ای است که می‌توان در راستای توسعه خوشه‌های مبلمان در آن نقاط گام برداشت. به‌طور طبیعی این تراکم واحدهای تولید مبلمان ناشی از برتری‌هایی است که در آن مناطق وجود دارند. این برتری‌ها عبارت‌اند از: وجود بازار مناسب، نزدیکی به

مواد اولیه چوبی، برخورداری از نیروی کار ماهر و غیره. نخستین گام در زمینه توسعه خوشه‌های صنعتی، شناسایی موقعیت‌های جغرافیایی است که در آن مناطق، تراکم یک صنعت به اندازه‌ای باشد که بتوان خوشه صنعتی را در آن منطقه توسعه داد. لذا راه‌های متفاوتی برای شناسایی مناطق با تجمع بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. مرحله بعد در زمینه توسعه خوشه‌های صنعتی، اعتمادسازی و توسعه روابط فیما بین طولی و عرضی است که به دنبال آن حلقه‌های زنجیره ارزش تکمیل می‌شوند و ارزش افزوده در هر حلقه افزایش خواهد یافت. محاسبه ضریب تجمع^۱ (LQ) یکی از موثرترین و متداول‌ترین روش‌ها برای تعیین تجمع صنعتی در یک منطقه است. به کمک این روش می‌توان تجمع صنعتی را با دقت بالا مشخص کرد و سپس محققان و برنامه‌ریزان می‌توانند به کمک آن رشد اقتصادی منطقه‌ای را پیش‌بینی کنند و یا در مسیر رشد اقتصادی آن منطقه، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری مناسب را انجام دهند. اهمیت تعیین تجمع جغرافیایی به کمک روش LQ در این است که این روش یکی از مهم‌ترین شاخص‌های مورد بررسی در اقتصاد منطقه‌ای است و کاربرد آن بسیار ساده است. سالیان زیادی است که محاسبه شاخص تجمع LQ به عنوان روشی برای مشخص کردن تخصصی شدن یک صنعت در یک منطقه خاص توسط جغرافی‌دانان و اقتصاددانان مورد استفاده قرار می‌گیرد. مهم‌ترین روش محاسبه LQ از راه محاسبه نسبت اشتغال یک منطقه خاص در صنعتی خاص نسبت به کل منطقه است. در این تحقیق هدف این بود که به کمک روش محاسبه ضریب تجمع (LQ)، مناطقی که دارای قابلیت توسعه خوشه‌های مبلمان هستند، در سراسر ایران شناسایی شوند تا مراحل بعدی توسعه امکان‌پذیر باشد. همچنین هدف دیگر این تحقیق این است که نتایج آن به عنوان راهنمایی برای مسئولان ذیربط، در زمینه توسعه خوشه‌های صنعتی در کشور (سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران) مورد استفاده قرار گیرد و نتایج آن الگویی برای شناخت قابلیت توسعه خوشه‌های صنعتی دیگر اصناف فعال در کشور باشد. نظریه توسعه خوشه‌های صنعتی توسط افرادی همچون Porter (۱۹۹۱)، توسعه یافته است [۴].

^۱ Location Quotient

استفاده کرد و مدل‌هایی ارائه دادند که به کمک آن می‌توان برتری‌های اشتغال منطقه‌ای را در آینده پیش‌بینی کرد [۱۹-۲۰-۲۱-۲۲]. Hoen و همکاران (۲۰۰۶) عنوان کردند که شاخص LQ در واقع نشان‌دهنده برتری‌های رقابتی یک منطقه خاص است [۲۳]. LeSage (۱۹۹۰)، از LQ برای تشخیص تغییر شرایط اقتصاد منطقه‌ای استفاده کرد [۱۹]. Brown (۱۹۹۲) و همکاران بر این باورند که نگاه توسعه اقتصاد کلان به صورت فرضیه‌ای است و در عمل باید به اقتصاد منطقه‌ای توجه خاصی شود [۲۰]. به باور Micheal و همکاران (۲۰۰۸) نخستین مرحله برای شناسایی خوشه‌های صنعتی شناسایی تراکم فعالان صنعت در یک منطقه خاص است [۲۴]. Isserman (۱۹۸۰) از روش ضریب تجمع (LQ) برای برآورد توانایی صدور محصولات به خارج از منطقه و شناسایی درصد شاغلان به کار در یک کسب و کار خاص در یک منطقه استفاده کرد [۲۵]. این محققان در اصل توافق نظر داشتند که اگر شاخص ضریب تجمع (LQ) بیش از یک باشد (به دلیل بیشتر بودن تراکم شاغلان در آن منطقه که بیشتر از میانگین محیط بیرونی است)، می‌توان نتیجه گرفت که در این منطقه تراکم کسب و کار در آن زمینه مورد بررسی به صورتی است که در اصل تولیدات بیش از نیاز منطقه‌ای بوده و امکان صدور محصولات به خارج از منطقه امکان‌پذیر است. این تراکم نشان‌دهنده بسیاری از مشخصات است برای مثال بنابر نظر Duranton (۲۰۰۵) شاخص ضریب تجمع (LQ) نشان‌دهنده تخصصی شدن کسب و کار یک منطقه است که خود ناشی از دسترسی به سرمایه‌های طبیعی و برتری‌های رقابتی است [۲۶]. Maurel و همکاران (۱۹۹۹) با استفاده از ضریب تجمع (LQ) تراکم صنعتی را در مورد صنایع مهم فرانسه محاسبه نمودند [۲۷]. آنان توانستند مشخص کنند که صنایع پیشرفته در مناطق خاصی از فرانسه تراکم یافته‌اند. همچنین آنان صنایعی را که کمترین و بیشترین تراکم را داشتند مشخص کردند و وضعیت آن‌ها را با صنایع همسان در ایالات متحده آمریکا مقایسه نمودند. Ciccone (۱۹۹۶) و Fujita (۱۹۹۶) نشان دادند که تراکم یک صنعت در یک منطقه باعث افزایش بهره‌وری آن صنعت در آن منطقه می‌شود [۲۸ و ۱۴]. همچنین Henderson و همکاران (۲۰۰۳) نشان دادند که تجمع

Porter (۱۹۹۱)، در کتاب خود با عنوان (برتری رقابتی ملل) صفحه ۱۹۷، خوشه را این‌گونه تعریف می‌کند: مجموعه‌ای از شرکت‌ها، تامین‌کننده‌ها، مشاغل خدماتی و موسسه‌هایی که مرتبط با صنعت خاص هستند که در یک محدوده جغرافیایی و نزدیک به هم قرار گرفته‌اند و با یکدیگر رقابت و همکاری دارند [۴]. توسعه اقتصادی بر پایه خوشه‌های صنعتی در ۴۰ ایالت در آمریکا مورد استفاده قرار گرفته است [۷]. امروزه در جهان صدها مورد خوشه صنعتی نوپا در حال توسعه هستند [۸]. در جامعه‌هایی همچون سان‌دیگو^۱، کالیفرنیا تا سیالکوت^۲ در پاکستان از این نظریه برای توسعه اقتصاد منطقه‌ای استفاده شده است [۱۰ و ۹]. محصولات که در خوشه‌های صنعتی تولید می‌شوند، دامنه گسترده‌ای دارند، به طوری که از پرورش اسب تا تولید ماشین مسابقه فرمول یک را شامل می‌شوند [۱۱ و ۱۲]. Krugman (۱۹۹۱) بر این باور است حضور یک شرکت در یک منطقه هزینه نقل و انتقال را برای شرکت دیگری که قرار است در همان منطقه تاسیس شود کاهش می‌دهد [۱۳]. بررسی‌های Ciccone (۱۹۹۶) نشان داد که تراکم صنایع به طور مستقیم بر روی بهره‌وری آن‌ها تاثیر می‌گذارد، به طوری که این تراکم می‌تواند عامل تغییر ۵۰ درصدی کارایی (بهره‌وری) کارگران شود [۱۴]. همچنین تجمع یکی از دلایل تخصصی شدن منطقه‌ای است که خود عاملی موثر بر رشد اشتغال‌زایی و افزایش رقابت‌پذیری منطقه‌ای است. Glaeser (۱۹۹۲) و Henderson (۱۹۹۵) مقدار LQ را برای بررسی پویایی رشد اقتصادی محلی مورد استفاده قرار دادند و به کمک آن تأثیر تخصصی شدن بر رشد منطقه‌ای را برآورد کردند [۱۵ و ۱۶]. Mizuno و همکاران (۲۰۰۶) اظهار داشتند که LQ یکی از بهترین روش‌ها برای تحلیل مسئله بیکاری در مناطق مختلف است [۱۷]. همچنین Penfold (۲۰۰۶) بر این باور است که به کمک محاسبه LQ می‌توان حساسیت اقتصاد محلی را در زمینه تغییرات وضعیت بازار ملی تحلیل کرد [۱۸]. همچنین LeSage (۱۹۹۰)، Brown (۱۹۹۲)، Kraybill (۱۹۹۲) و Nishiyama (۱۹۹۷) نشان دادند که می‌توان از LQ برای محاسبه اشتغال کل و اشتغال در زمینه خدمات

¹ San Diego

² Sialkot

مواردی که تخصصی کردن اقتصاد منطقه‌ای مدنظر باشد، بررسی پیوسته ضریب تجمع برای سنجش روند پیشرفت مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای محاسبه ضریب تجمع از فرمول زیر استفاده شد.

$$LQ = \frac{\frac{E_{ij}}{\sum_i E_{ij}}}{\frac{\sum_j E_{ij}}{\sum_i \sum_j E_{ij}}}$$

LQ: ضریب تجمع

E_{ij} : اشتغال محلی در زمینه صنعت i در منطقه j

$\sum_i E_{ij}$: کل اشتغال محلی در منطقه j

$\sum_j E_{ij}$: اشتغال منطقه‌ای (کل کشور) در زمینه

صنعت i

$\sum_i \sum_j E_{ij}$: کل اشتغال منطقه‌ای (کل کشور)

رابطه ۱-

در این فرمول وضعیت اقتصادی محلی در صنعتی خاص نسبت به اقتصاد منطقه‌ای (در اصل اقتصاد یک کشور) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر روش ضریب تجمع (LQ) وضعیت اشتغال محلی در زمینه صنعتی خاص را نسبت به وضعیت اشتغال منطقه‌ای در زمینه همان صنعت نشان می‌دهد. به باور Miller (۲۰۰۱) مناطقی که در صنعتی مشخص دارای شاخص LQ بالاتر از یک هستند به عنوان مناطق تخصصی در آن زمینه به شمار می‌آیند [۳۷]. Miller (۲۰۰۱) تاکید کرد که بالا بودن شاخص LQ نشانه وجود خوشه صنعتی است و به کمک این روش می‌توان خوشه‌ها را شناسایی کرد تا در جهت توسعه آن‌ها گام برداشت [۳۷]. تفسیر نتیجه به‌دست آمده برابر قوانین این روش انجام شد. روش تفسیر نتایج بر پایه چارچوب زیر به انجام رسید؛

- اگر $LQ < 1$ باشد، نشان دهنده این مطلب است که درصد اشتغال در زمینه صنعت مبلمان در مقایسه با میانگین درصد اشتغال در زمینه همان صنعت در کل کشور کمتر است.

- اگر $LQ = 1$ باشد، نشان دهنده این مطلب است که درصد اشتغال در زمینه صنعت مبلمان با میانگین درصد اشتغال در زمینه همان صنعت در کل کشور برابر است.

- اگر $LQ > 1$ باشد، نشان دهنده این مطلب است که درصد اشتغال در زمینه صنعت مبلمان در مقایسه با میانگین درصد اشتغال در زمینه همان

نقش مهمی بر اشتغال‌زایی محلی دارد [۲۹]. Krugman (۱۹۹۱) یکی از علت‌های تراکم صنعتی را به صورت اتفاقی می‌داند و بر این باور است ممکن است در گذشته بنا به حضور متخصصی خاص، صنعتی در یک منطقه پا بگیرد و گسترش یابد [۳۰]. Marshall (۱۹۲۰) تاکید کرد که کاهش هزینه‌های حمل و نقل یکی از مهم‌ترین دلایل تجمع صنایع مرتبط در یک منطقه خاص است. وی ثابت کرد که این کاهش هزینه‌ها ناشی از کاهش هزینه انتقال کالا، نیروی کار و دیدگاه‌ها است. بدین صورت که اگر شرکت‌ها، نزدیک به تامین کنندگان و مشتریان قرار بگیرند، هزینه‌های انتقال آن‌ها کاهش خواهد یافت [۳۱].

Krugman (۱۹۹۱) عنوان کرد که در مورد صنایع مادری که به سرمایه ثابت زیادی نیاز دارند، نزدیکی به مواد اولیه و انرژی مهم‌ترین عامل‌ها موثر بر موقعیت جغرافیایی آن‌ها است [۳۲]. Ellison و همکاران (۱۹۹۴) باور دارند که مهم‌ترین معیارها برای شکل‌گیری تجمع، برتری‌های طبیعی و تأثیر سر ریز دانش هستند [۳۳ و ۳۴]. بنابر نظریه اقتصاد منطقه‌ای که توسط Marshall (۱۸۹۰) مطرح شد، توسعه در صنعتی خاص مطرح است و در مورد اقتصاد شهری توسعه همه‌ی موارد صنعت در یک شهر خاص مطرح است [۳۵]. بنابر نظر Fujita (۱۹۹۶) در هر دو مورد توسعه منطقه‌ای و توسعه شهری طبق ساز و کار نظریه گلوله برف غلتان، آن نواحی مدام در حال گسترش و توسعه هستند [۳۶ و ۳۸]. بنابر نظر Glaeser و همکاران (۱۹۹۴) گسترش هر دو مورد به شرایط محیطی بستگی دارد [۱۵]. هنگامی که اقتصاد منطقه‌ای غلبه داشته باشد منطقه به یک قطب صنعتی در زمینه خاص تبدیل خواهد شد. با توجه به موارد یاد شده از کاربردهای پرشمار روش محاسبه ضریب تراکم در زمینه‌های مختلف از جمله شناسایی خوشه‌های صنعتی، در این تحقیق از این روش با هدف تعیین خوشه‌های مبلمان ایران که قابل توسعه هستند، استفاده شد.

مواد و روش‌ها

روش محاسبه ضریب تجمع (LQ) یکی از روش‌های کاربردی اندازه‌گیری بر پایه اصول آماری است که به کمک این روش وضعیت اقتصاد محلی را نسبت به اقتصاد منطقه‌ای (در اصل کشور) مورد ارزیابی قرار می‌دهند. در

صنعت در کل کشور بیشتر است.

از آنجایی که وزارت صنعت، معدن و تجارت و مرجع آمار و اطلاعات اصناف و بازرگانان دو منبع ثبت پروانه‌های صادر شده در زمینه فعالیت‌های تولیدی و خدماتی در کشور هستند، اطلاعات مربوط به شمار واحدهای کسب و کار، شمار کارکنان مشغول به کار، شناسایی واحدهای فعال و... از قسمت گزارش‌های آماری (مربوط به مرداد ماه سال ۱۳۹۱) پایگاه وزارت صنعت، معدن و تجارت [۳۸] و پایگاه بانک مرجع آمار و اطلاعات اصناف و بازرگانان [۳۹] به دست آمد. ملاک گزینش شهرستان‌ها اطلاعات موجود در این دو منبع اطلاعاتی بود. در مجموع در این دو پایگاه اطلاعات مربوط به ۱۹۳ شهرستان از سرتاسر کشور گردآوری شده است که همه‌ی این شهرستان‌ها در این تحقیق مورد مطالعه قرار گرفتند. مقیاس‌های مربوط به شکل ۲ به کمک نرم افزار AutoCAD و همخوان بر نقشه Google Map به دست آمده است. اندازه دایره رسم شده مقیاسی از ضریب LQ مربوط به هر منطقه است.

نتایج

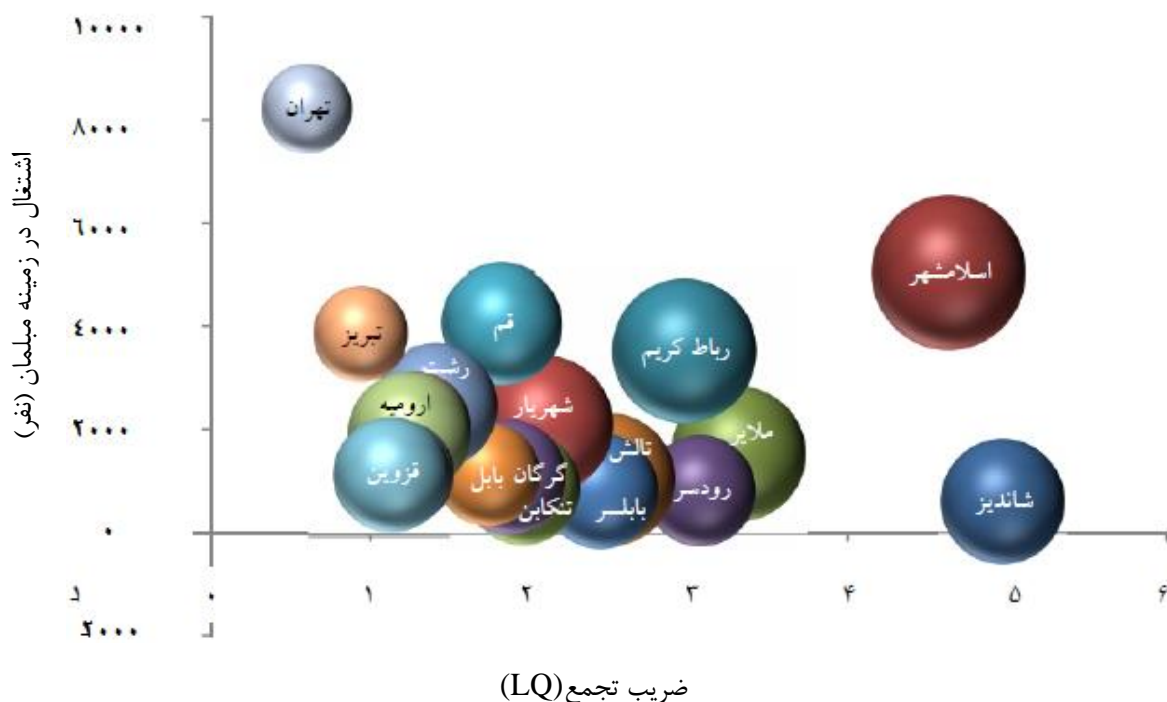
از بین ۱۹۳ منطقه‌ای که اطلاعات آن‌ها در بانک‌های اطلاعاتی درج شده در بالا قرار داشت، تنها مناطقی که شمار کارکنان مشغول به کار آن‌ها در زمینه مبلمان بیش از ۲۵۰ نفر است به منظور توسعه خوشه مبلمان دارای اهمیت هستند. زیرا در دیگر مناطق هر چند در مواردی ضریب تجمع (LQ) از یک بالاتر بوده است، ولی به علت اینکه شمار کارکنان مشغول به کار در زمینه مبلمان به اندازه‌ای که بتوان آن را خوشه مبلمان تلقی کرد، نبود. در نهایت ۱۹ منطقه مورد تجزیه و تحلیل و بررسی نهایی قرار گرفتند. همان طور که در شکل ۱ نشان داده شده است، ضریب تجمع مربوط به ۱۷ منطقه بالاتر از یک و ضریب تجمع مربوط به ۸ منطقه بالاتر از ۲ بود. یکی از موارد مهم نتایج به دست آمده در این تحقیق این است که ۳۱ منطقه از ۶۷ منطقه‌ای که ضریب تجمع آن‌ها بیشتر از ۱/۲ است مربوط به شهرستان‌های شمال کشور (استان‌های مازندران، گیلان و گلستان) است. با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از چوب مورد مصرف برای نجاری و

ساخت مبلمان کشور (چوب راش و...) در جنگل‌های هیرکانی در شمال کشور تولید می‌شوند، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که نزدیکی این شهرها به منابع اولیه (جنگل) عامل بسیار مهمی برای ایجاد این تجمع‌ها است. همچنین می‌توان چنین استنباط کرد که عامل نزدیکی به منابع مواد اولیه چوبی عامل مهمی برای توسعه خوشه‌های صنعتی مبلمان در این مناطق به شمار می‌رود.

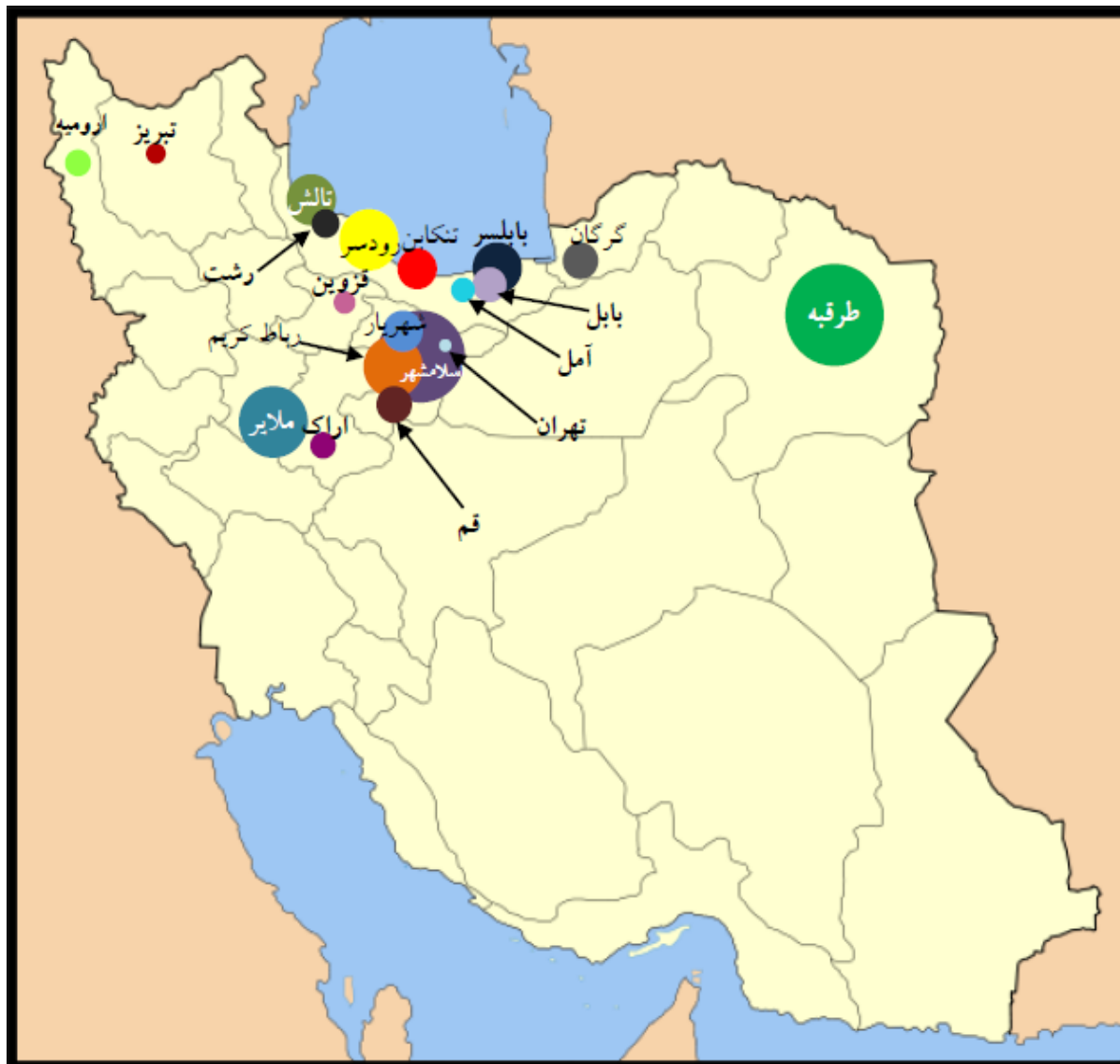
همچنین زیاد بودن ضریب تجمع مربوط به ۳ منطقه، اسلام شهر، رباط کریم و شهریار نشان می‌دهد که نزدیکی به بازارهای فروش (بازار تهران) یکی دیگر از مهم‌ترین دلایل توسعه خوشه‌های صنعتی مبلمان است. آنچه که در مورد این خوشه‌ها مهم است، این است که نه تنها ضریب تجمع، بلکه شمار واحدهای کسب و کار و شمار کارکنان مشغول به کار در هر واحد نیز در این مناطق نسبت به دیگر شهرستان‌ها بیشتر است. با توجه به افزایش روزافزون مصرف مبلمان در کشور، می‌توان پیش‌بینی کرد این بازار همچنان پایدار باشد و امکان توسعه خوشه‌های مبلمان در اطراف این بازار بزرگ وجود دارد. با توجه به اینکه تا به حال تنها اقدام‌های اولیه لازم برای توسعه خوشه مبلمان تهران (یافت آباد) صورت گرفته است [۳]، با توجه به وجود چنین بازاری و با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که باید در زمینه توسعه خوشه‌های دیگری در مناطق نزدیک به تهران (اسلام شهر، رباط کریم و شهریار) اقدام جدی صورت گیرد. همان‌طور که در جدول ۱ دیده می‌شود، ضریب تجمع در شهرهای تهران و تبریز به‌طور کلی کمتر از یک است، اما با توجه به وجود بازارهای مناسب در این دو شهر، شمار زیاد تولیدکنندگان، شمار واحدهای تولیدی متوسط و بعضی بزرگ و تجمع جزیره‌ای واحدهای تولید مبلمان در اطراف این شهرها (مجتمع تولیدکنندگان و فروشندگان مبلمان در منطقه ۱۸ شهرداری تهران و یا در تبریز) موقعیت مناسبی برای توسعه خوشه‌های مبلمان در این شهرها ایجاد کرده است. بنابر جدول ۱ مناطق دارای اولویت برای توسعه خوشه‌های مبلمان عبارت‌اند از: طرکبه و شاندیز، اسلام شهر، ملایر، رودسر، رباط کریم، تالش، قم، شهریار، بابلسر و...

جدول ۱- نتایج به دست آمده از محاسبه ضریب تجمع کسب و کارهای مربوط به صنعت مبلمان [۳،۲]

ردیف	استان	شهرستان	اشتغال در زمینه مبلمان (نفر)	کل اشتغال (نفر)	LQ	میانگین شمار کارکنان (نفر)
۱	خراسان رضوی	طرقبه و شاندیز	۵۸۷	۶۵۰۵	۴/۹۷۴	۳/۲۹۷
۲	تهران	اسلام شهر	۵۰۲۵	۵۹۷۵۴	۴/۶۳۵	۵/۱۱۷
۳	همدان	ملایر	۱۵۴۴	۲۵۶۸۳	۳/۳۱۳	۳/۹۴۸
۴	گیلان	رود سر	۸۲۹	۱۴۸۵۶	۳/۰۷۵	۲/۶۶۵
۵	تهران	رباط کریم	۳۵۳۱	۶۵۴۴۳	۲/۹۷۴	۴/۵۳۸
۶	گیلان	تالش	۱۰۴۴	۲۳۰۲۳	۲/۴۹۹	۳/۸۵۲
۷	مازندران	بابلسر	۸۲۶	۱۸۶۰۰	۲/۴۴۷	۲/۸۸۸
۸	تهران	شهریار	۲۱۰۶	۵۵۳۸۱	۲/۰۹۶	۴/۱۲۹
۹	مازندران	تنکابن	۸۵۵	۲۴۸۸۳	۱/۹۶۰	۲/۸۲۷
۱۰	گلستان	گرگان	۱۰۹۶	۳۲۲۶۰	۱/۸۷۲	۲/۸۶۱
۱۱	قم	قم	۴۰۴۱	۱۲۱۹۳۷	۱/۸۲۶	۳/۱۸۴
۱۲	مازندران	بابل	۱۱۴۷	۳۶۲۷۷	۱/۷۴۲	۲/۳۳۶
۱۳	گیلان	رشت	۲۴۵۷	۹۵۸۶۵	۱/۴۱۲	۳/۳۴۲
۱۴	مرکزی	اراک	۲۰۵۶	۸۸۵۷۴	۱/۲۷۹	۲/۷۵۲
۱۵	آذربایجان غربی	ارومیه	۱۹۴۴	۸۵۹۰۱	۱/۲۴۷	۳/۲۸۹
۱۶	مازندران	آمل	۱۱۶۸	۵۳۷۲۶	۱/۱۹۸	۲/۳۸۳
۱۷	قزوین	قزوین	۱۱۴۷	۵۵۷۶۱	۱/۱۳۳	۲/۸۸۹
۱۸	آذربایجان شرقی	تبریز	۳۸۴۴	۲۲۴۷۱۱	۰/۹۴۲	۱/۹۱۱
۱۹	تهران	تهران	۸۱۹۵	۷۴۸۴۳۸	۰/۶۰۳	۱/۷۲۵



شکل ۱- نمودار وضعیت ضریب تجمع (LQ)، اشتغال در زمینه مبلمان و میانگین کارکنان مشغول به کار



شکل ۲- پراکنش نقاط با ضریب LQ بالا و دارای پتانسیل توسعه خوشه‌های مبلمان ایران (قطر دایره نشان دهنده ضریب LQ است).

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان داد همان‌طور که در فرضیه پیش‌بینی شده بود، مناطق زیادی در کشور وجود دارند که با توجه به تجمع بالای واحدهای کسب و کار مربوط به صنعت تولید مبلمان، امکان توسعه خوشه‌های صنعتی مبلمان در آنها وجود دارد. در این مناطق شمار زیادی از واحدهای فنی، تولیدی، خدماتی، بازاریابی و ... فعالیت می‌کنند که در صورت مدیریت و پشتیبانی مناسب از این واحدهای کسب و کار در جهت توسعه روابط طولی و عرضی، امکان تکمیل بخش عمده‌ای از حلقه‌های زنجیره

ارزش در قالب خوشه‌های صنعتی وجود دارد. همچنین باید تاکید شود که نه تنها تجمع صنعتی مهم است بلکه شمار کسب و کارهای موجود در یک خوشه و همچنین حضور صنایع متوسط و یا بعضی بزرگ در مرکز خوشه می‌تواند بسیار مهم باشد [۴]، زیرا در بسیاری از مواقع برون‌سپاری صنایع بزرگ به عنوان عاملی برای توسعه همکاری‌های فیما بین موثر واقع می‌شود و خود یکی از عامل‌های توسعه خوشه‌ها است. در نتیجه، در این تحقیق نه تنها ضریب تجمع کسب و کارها، بلکه شمار واحدهای کسب و کار متوسط و بعضی بزرگ و شمار کارکنان

تامین‌کنندگان، دولت محلی و موسسه‌های پشتیبانی همچون دانشگاه‌ها رابطه متقابل وجود داشته باشد [۴۴]. در واقع هنگامی که کسب و کارها در کنار یکدیگر و به صورت جمعی کار کنند، روابط طولی و عرضی بین آن‌ها گسترش یافته و گرایش برای افزایش این همکاری‌ها بیشتر رشد می‌کند. بنابر مطالب یاد شده باید در نظر داشت صرف متراکم بودن واحدهای فعال در یک صنعت در منطقه ای جغرافیایی دلیل توسعه خوشه‌های صنعتی نیست و مسئولان ذیربط باید در نظر داشته باشند این تراکم نشان دهنده قابلیت برای توسعه است و برای اینکه توسعه پر شتاب شود باید اقدام‌های سازنده‌ای در زمینه یکپارچه سازی و تشویق روابط فیما بین صورت گیرد. بر پایه نتایج به دست آمده می توان نتیجه گرفت که قابلیت‌های بسیاری برای توسعه خوشه‌های مبلمان در ایران وجود دارد. بنابر نتایج به دست آمده از این تحقیق مشخص شد، که هم‌اکنون ظرفیت توسعه دست کم ۲۰ خوشه صنعتی مبلمان موفق در کشور وجود دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد، تراکم‌های صنعتی بیشتر در مناطقی شکل گرفته‌اند که از برتری‌هایی همچون نزدیکی به بازار فروش (خوشه مبلمان تهران...)، پیشینه تولید محصولات هنری (مبل استیل) و بهره‌مندی از کارکنان حرفه‌ای با کارمزد پایین (قم، طرجه و شاندریز، ملایر...) و یا نزدیکی به منابع مواد اولیه (بابل، بابلسر...) بهره‌مند هستند. البته باید تاکید شود که ممکن است هر یک از مناطق شناسایی شده در زمینه تولید و فروش محصولات خاص مستعدتر باشد که پیشنهاد می شود در بررسی‌های آینده این قابلیت‌ها شناسایی شوند. همچنین با توجه به اینکه توسعه خوشه‌های صنعتی مبلمان تنها به تراکم جغرافیایی بستگی ندارد و عامل‌های مهم دیگری (همچون عامل‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، ...) در توسعه آن‌ها موثر است پیشنهاد می‌شود اثر عامل‌های دیگر موثر بر توسعه خوشه‌های صنعتی مبلمان مورد بررسی و ارزیابی دقیق علمی قرار گیرد.

مشغول به کار نیز مدنظر قرار گرفتند. نتایج نشان داد، میانگین کارکنان مشغول به کار در صنعت تولید مبلمان در ایران ۲/۶۱ نفر به ازای هر واحد تولیدی است. که این نتیجه نشان دهنده این است که بخش عمده‌ای از تولیدکنندگان مبلمان در کشور در محدوده صنایع کوچک قرار دارند و در اصل فرآیند تولید مبلمان به صورت صنعتی انجام نمی‌گیرد و این موضوع یکی از نارسایی‌های عمده صنعت مبلمان در کشور است. زیرا واحدهای تولیدی به صورت جزیره‌ای فعالیت می‌کنند که در این صورت توان تولید انبوه نداشته و از رقابت‌پذیری کمی برخوردارند و همچنین تنوع تولید نیز در این واحدها بسیار محدود است. در تهران به علت نزدیکی به بازار و پرشتابی روال‌های تجاری و همچنین حضور پر رنگ مراکز علمی آموزشی، هم رقابت و هم همکاری‌ها بهتر صورت می‌گیرد. از سویی بنابر نظر بسیاری از محققان و صاحب نظران، تنها تجمع واحدهای کسب و کار در یک منطقه خاص عامل توسعه اقتصادی آن منطقه نیست. Tully (۲۰۰۴) بر این باور است که تجمع صنعتی در یک منطقه جغرافیایی تنها دلیل خوشه‌ای بودن آن نیست بلکه لازمه خوشه‌ای شدن این است که رفتار کسب و کارها در درون خوشه به گونه‌ای باشد که روابط فیما بین به خوبی به صورت مشترک صورت پذیرد [۴۰]. به باور Sforzi (۲۰۰۲) تجمع صنعتی در یک منطقه جغرافیایی تنها دلیل وجود ناحیه صنعتی و ایجاد همکاری‌های فیما بین نیست [۴۱]. لذا باید تاکید کرد اگر تجمع باعث ارتقای سطح روابط شود، شکوفایی اقتصادی پر شتاب خواهد شد. یانگ تاکید کرد که هم تجمع نسبی جغرافیایی و هم ارتباطات فیما بین کسب و کارها نشان دهنده امکان توسعه خوشه‌های صنعتی است [۴۲]. Kennedy (۱۹۹۹) عامل موفقیت خوشه را بعد از تجمع در یک منطقه جغرافیایی همکاری‌های فیما بین می‌داند [۴۳]. Reid و همکاران (۲۰۰۶) بر این باورند که یک خوشه هنگامی توسعه خواهد یافت که درون آن فعالیت‌ها به صورت شبکه‌ای انجام شود، به طوری که در بین تولیدکنندگان،

مراجع

- [1] UNIDO, Development of clusters and Networks of SMEs: The UNIDO programme a guide to export consortia, UNITED NATIONS INDUSTRIAL DEVELOPMENT ORGANIZATION, Vienna, 2003.
- [2] Majidi, J., and Shadabi, B., 2002. Industry Cooperation, Industrial Cluster, Sustainable Development, Tehran: Hezaran Press. 270p.
- [3] Taghavinejad, B., and Esfandiari, A., 2007. A Survey on Iran Furniture Industry. Ministry of Industry, Mine and Trade Report, 85p.
- [4] Porter, M., 1991. The Competitive Advantage of Nations, the Free Press, New York, 345p.
- [5] Schmitz, H., and Nadvi, K., 1999. Clustering and industrialization: introduction. *World Dev* 27(9):1503–1514.
- [6] Feldman, M.P., and Francis, J.L., 2004. Homegrown solutions: fostering cluster formation. *Economic Development Quarterly*, 18(2):127–137.
- [7] Solvell, O., Lindqvist, G., and Ketels, C., 2003. The cluster initiative green book. Ivory Tower AB, Stockholm.
- [8] Babkin, A., Kudryavtseva, T., and Utkina, S., 2013. Formation of Industrial Clusters Using of Virtual Enterprises. *Procedia Economics and Finance*, 5: 68-72.
- [9] SANDAG. 2001. San Diego regional employment clusters: engines of the modern economy. SANDAG Info, No. 1, 1–31.
- [10] Nadvi, K., 1999. Collective efficiency and collective failure: the response of the Sialkot surgical instrument cluster to global quality pressures. *World Development*, 27(9):1605–1626.
- [11] Henry N. & Pinch, S. 2001. Neo-marshallian nodes, institutional thickness, and Britain's 'motor sport valley': thick or thin. *Environment and Planning A homepage*, 33:1169–1183.
- [12] Akoorie, M., 2000. Organizational clusters in a resource-based industry: empirical evidence from New Zealand. In: Green MB, McNaughton RB (eds) *Industrial networks and proximity*. Ashgate, Burlington, pp 133–164.
- [13] Krugman, P., 1991. Increasing Returns and Economic Geography, *Journal of Political Economy*, 99: 483-499.
- [14] Ciccone, A., and Hall, R., 1996. Productivity and the density of economic activity, *American Economic Review* 86: 54-70.
- [15] Glaeser, E.L., Kallal, H.D., Scheinkman, J., and Shleifer, A.. 1992. Growth in Cities, *Journal of Political Economy*, 100: 1126-1152.
- [16] Henderson, J., Kunroco, A., and Turner, M., 1995. Industrial development in cities, *Journal of Political Economy* 103: 1067–1090.
- [17] Mizuno, K., Mizutani, F., and Nakayama, N., 2006. Industrial diversity and metropolitan unemployment rate, *Annals of Regional Science* 40:157–172.
- [18] Penfold, R.B., 2006. Covariance risk and employment growth in Canadian cities, *Growth Change*, 37:60–81.

- [19] LeSage, J.P., 1990. Forecasting metropolitan employment using an export-base error correction model. *Journal of Regional Science*, 30: 307–323.
- [20] Brown, S.J., Coulson, N.E., and Engle, R.F., 1992. On the determination of regional base and regional base multipliers. *Regional Science and Urban Economics*, 22:619–635.
- [21] Kraybill, D.S., and Dorfman, J.H., 1992. A dynamic intersectional model of regional economic growth. *Journal of Regional Science*, 33:1–17.
- [22] Nishiyama, Y., 1997. Exports' contribution to economic growth: empirical evidence for California, Massachusetts, and Texas, using employment data. *Journal of Regional Science*, 37:99–125.
- [23] Hoen, A.R., and Oosterhaven, J., 2006. On the measurement of comparative advantage. *The Annals of Regional Science*, 40:677–691.
- [24] Micheal, C., Carroll, N., Bruce, and W.S., 2008. Location quotients versus spatial autocorrelation in identifying potential cluster regions. *The Annals of Regional Science*, 42: 449-463.
- [25] Isserman, A.M., 1980. Estimating export activity in a regional economy: a theoretical and empirical analysis of alternative methods, *International Regional Science Review*, 5 (2): 155–184.
- [26] Duranton, G., and Overman, H., 2005. Testing for localization using micro-geographic data, *Review of Economic Studies*, 72 (4): 1077–1106.
- [27] Maurel, F., and Sedillot, B., 1999. A measure of the geographic concentration in French manufacturing industries, *Regional Science and Urban Economics*, 29(5): 575–604.
- [28] Fujita, M., and Tabuchi, T., 1997. Regional growth in postwar Japan, *Regional Science and Urban Economics*, 27 (6): 643–670.
- [29] Henderson, J., and Vernon, A., 2003. “Marshall’s Scale Economies.”, *Journal of Urban Economics*, 55: 1-28.
- [30] Krugman, P., 1991a. *Geography and Trade*, Leuven University Press–MIT Press, Cambridge, MA.
- [31] Marshall, A., 1920. *Principles of Economics*. London, U.K. MacMillan and Co.
- [32] Krugman, P., 1991b. “Increasing Returns and Economic Geography.” *Journal of Political Economy* 99: 483-499.
- [33] Ellison, G., and Glaeser, E., 1997. Geographic concentration in U.S. manufacturing industries: a dartboard approach, *Journal of Political Economy*, 105 (5):889–927.
- [34] Ellison, G., and Glaeser, E., 1994. Geographic concentration in U.S. manufacturing industries: a dartboard approach. NBER Working Paper 4840.
- [35] Marshall, A., 1890. *Principles of Economics*, Macmillan, London, 432p.
- [36] Fujita, M. and Thisse, J.F., 1996. *Economics of Agglomeration*. CEPR Discussion Paper 1344.
- [37] Miller, P., Botham, R., Martin, R., and Moore, B., 2001. *Business clusters in the UK: a first assessment*. Department of Trade and Industry, London, 249p.
- [38] Ministry of Industry, Mine and Trade. Statistical Report. 2011. Retrieved from (<http://mimt.gov.ir>).
- [39] Guilds and Merchants Data Bank. 2011. Retrieved from (<http://www.asnaf.net>).

- [40] Tully, J., and Berkeley, N., 2004. Visualizing the operating behavior of SMEs in sector and cluster: evidence from the West Midlands, *Local Economy*, 19:38–54.
- [41] Sforzi, F., and Lorenzini, M., 2002. “I distretti Industriali” in L’esperienza italiana dei distretti industriali, IPI – Istituto per la Promozione Industriale, Ministero delle Attività Produttive, Roma.
- [42] Yang, G., and Stough, R., 2005. A preliminary analysis of functional and spatial clustering: the case of the Baltimore metropolitan region. In: Karlsson C, Johansson B, Stough R (eds) *Industrial clusters and inter-firm networks*. Edward Elgar, Northampton, pp 303–32.
- [43] Kennedy, L., 1999. Cooperating for survival: tannery pollution and joint action in the Palar Valley (India). *World Development*, 27(9):1673–1691.
- [44] Reid, N., and Carroll, M.C., 2006. Collaborating to compete: the case of the Northwest Ohio greenhouse cluster. In: Gattrel J, Reid, N (eds.) *Enterprising worlds*. Springer, Dordrecht 41–56.

Evaluation of the geographical concentration of furniture industry in Iran with the aim of furniture cluster development

Abstract

In this study, with the aim of furniture clusters development, the geographical distribution of furniture industries in Iran was evaluated and taking account this parameter, the areas with the high priority for the development of the furniture clusters were identified. LQ (Location Quotient) calculation method was used to calculate LQ for 193 cities. The cities with a LQ higher than one were identified and sorted in a table. LQ was higher than 1.5 for 45 cities. It means many cities have potential for furniture clusters development. According to the result aside from developing clusters such as Tehran, Shandiz and Malayer, Qom, Talesh, Babol, Eslamshahr, Shahriar, Robotkarim, Babolsar, and Gorgan furniture clusters have appropriate potential for development that they have been not noticed until know. Results have shown that, except Tehran furniture cluster that its members aggregated in Yaft Abad, in Tehran province Eslamshahr, Rabat Karin and Shahriar have a very high potential for another furniture clusters development.

Keywords: Industrial cluster, Furniture industry, Concentration factor, Cluster development

O. Hosseinzadeh^{1*}

M. Azizi²

Y. Hamzeh³

M. Faezipour⁴

¹Assistant Professor, Department of Forestry, Faculty of Natural Resources, University of Urmia

²Associate Professor, ³Associate Professor, ⁴Professor, Department of Wood and Paper Science and Technology, Faculty of Natural Resources, University of Tehran, Karaj, Iran

Corresponding author:
omidhoseinzadeh@gmail.com

Received: 2012.09.18

Accepted: 2012.12.09